

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبھی

لله الحمد امروز حدیقه معانی ظاهر و باوراد علم و حکمت ربّانی مزین کوثر بیان و تسنیم حیوان در او جاری نیکوست حال نفسیکه باو راه یافت و محروم کسیکه از او نصیبی برنداشت نسیمش محیی جان و مفرّح روان بی لفظ مطالب خفیّه لطیفه القا مینماید بی کنز و زخارف غنای ابدی عطا میفرماید پرده حیرت را باصبع قدرت شقّ نماید و آفتاب حقیقت را از افق عنایت بنماید نعیماً للفائزین و نعیماً للعارفين و حسرةً للغافلین و للمعرضین مفتاح آن محبّه الله بوده و هست و آن ذکر و ثنای مقصود عالمیانست که بیان مملّح و ممزوج است حبّذا فرخنده یومی و فرخنده ساعتی و فرخنده حینی که دستخطّ عالی که بمنزله مفتاحست و عرف محبّت محبوب عالم از او متضوّع متواتر رسیده و میرسد فی الحقیقه اوست که قلب را بفرح جدید تازه مینماید و آتش شوق و اشتیاق را مشتعلتر حقّ شاهد و گواه که در لیالی و ایّام از خلق مأیوس و بخیالت مأنوس و بحقّ متوسّل و بر او متوکّل که ناگاه باب مفتوح و امل حاصل بساط حزن مطویّ و بساط فرح مبسوط و قبل آن کلّ یوم قلم الم فراق تحریر مینمود و مداد ذکر ایّام و داد و اتحاد مینوشت گاهی طبع صنعت موسیقار آرزو مینمود و هنگامی وجود چون سمندر خود را در نار مشاهده مینمود ایجاز از اطباب محبوب تر که هم شما را از ذکر و ثنای محبوب عالیمان بازنمیدارد و هم مطلب مشروح و واضح معلوم آنحضرت میشود از مطوّل گذشتیم مختصر آنکه بی شما فرح کامل دست نداد و غیبت شما مجالس را از طراز اوّل محروم داشت خادم جالس بغتّه از افق بیت دستخطّ آنحضرت بمثابه نجم سحری طالع بعد از اخذ و قرائت و اطلاع تلقاء وجه مالک اسماء بشرف اصفا فائز قوله جلّ جلاله و جلّت الطافه

هو الناظر من افقه الأعلى

یا اسمی مرّه بعد مرّه ترا ذکر نمودیم کأس حیوان را از ایادی عنایت محبوب امکان نوشیدی ذکرت لازال مذکور و بلایت لدی العرش مشهود باستقامتت افق استقامت لائح و منیر طویب لک و لمن احبک و ذکرک و سمع قولک فی امر الله ربّ العالمین اگر چندی توجّه بوطن و ضواحی آن از ارض یاء و الف و راء نمائید لدی الوجه محبوبست چه که شاید گمراهی راه یابد و مقصود را بشناسد ولکن باید در جمیع احوال بافق حکمت ناظر باشید آنچه مغایر آنست جایز نبوده و نیست کذلک یاامرک المظلوم و یذکرک فی هذا المقام الرقیع دوستان الهی را تکبیر برسان بگو ایّاکم ایّاکم ان تمنعکم ضوضاء الملحدین عن الله ربّ العالمین آنقوم تازه بر قدم اهل فرقان مشی مینمایند لعمر الله یوم الله را ادراک ننموده اند چه که لا یذکر فیهِ الا الله وحده جمیع کتب بقولش و قبولش معلّق و جمیع اعمال باذنش منوط در قرون و اعصار ناس بیچاره را باوهم تربیت نمودند مع ذلک آن فرقه غافله خود را اعلی و افضل از کل میدانستند غافل از آنکه پست ترین عباد بوده و هستند نفسی را که عند ذکرش به عجلّ الله فرجه ناطق بودند بظلم تمام شهید نمودند نتیجه عجلّ الله فی سقرهم بخشید بگو ای دوستان حقّ لعمر الله آن نفوس غافلند آگاه نبوده و نیستند از همه گذشته از گفته های قبل چه حاصل بردند که از بعد بیرند اتّ لهم و للذین اتّبعوهم من دون بیّنه من الله العلیم الحکیم لازم است که مفتریات فرقه شیعه و کذبهای ایشان قدری ذکر شود یا اسمی ملاً اعلی نوحه مینمایند و اهل جنّت علیا محزون چه که با کشف حجابات غلیظه و سبحات عظیمه تازه بقدم اوّل راجع شده اند نوحوا یا قوم نوحوا انصاف بمثابه عنقا و صدق مانند عدل غیر مشهود ولکن ربّک هو القویّ الغالب القدر اهل بها را عالم و آنچه در اوست منع

نماید امرش اظهر از شمس و ندایش در کلّ حين مرتفع طوبى لمن نبذ العالم مقبلاً الى الله مالك القدم الّدى فى بحبوحة البلاء نطق بأعلى التّداء و دعا الكلّ الى افقه المنير انتهى نمیدانم چه شده که تا حين اهل بیان در اعمال فرقه قبل و اقوال ایشان تفکر نموده‌اند نفوسیکه خود را بهترین عالم میدانستند یعنی حزب شیعه ارتکاب نمودند آنچه را که کلّ اشیاء نوحه نمود یکنفس تفکر نمود که حاصل آن حزب و اعمال و اقوالشان چه بوده لعمر مقصودنا هبّاءً منبئاً تازه مشرکین اهل بیان یک همچه دستگاهی مبسوط نموده‌اند این بی‌بصرها در آنی تفکر نموده و نمینمایند از اول دنیا تا حين کدام امر اعظم از این امر و کدام ظهور اظهر از این ظهور بوده هر نفسی بانکار برخیزد بچه اقرار خواهد نمود امروز غیر الله مذکور نبوده و نیست طوبى از برای نفسیکه عرف این یوم را یافته و مقصود را شناخته این فانی از حقّ باقى سائل و آمل آذان را لایق و ابصار را قابل نماید از برای اصغاء ندا و مشاهده افق اعلى اینکه مرقوم داشتند که حضرت افنان یاء علیه منکلّ بهآء ابهاه صورت تلغراف ارسال فرمودند مقصود از آن توجّه آنحضرت بشطر مقصود بوده ولکن دستخطّ بعد آنحضرت مرقوم داشته بودند که حضرت افنان علیه من کلّ بهآء ابهاه و جناب امین علیه بهآء الله خواهش نموده‌اند بانجهات توجّه نمایند بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس اینکلمه علیا از افق اعلى اشراق فرمود قوله جلّ و عزّ حال که حضرات طالب شده‌اند اجابت افنان محبوبست لدی الوجه و اگر در ارض یاء و اطراف آن چند روزی سیر نمایند محبوبست انتهى اهل ولایت و اقربا هم از ملاقات آنحضرت البتّه بفرح تازه و سرور جدید فائز میشوند و اینکه مرقوم داشتند که دوستان الهی طراً در هر ارض استدعای ذکر نموده‌اند اینفقره بشرف اصغاء فائز قوله جلّ جلاله یا اسمی علیک بهائی و عنایتی و رحمتی هر نفسی اراده نموده اسم آن در ساحت اقدس مذکور آید لعمری ذکرش مذکور و از قلم اعلى مسطور بتر من قبلى کلّ من اراد عنایتی و توجّهی قل آتّه یسمع و یری و هو السّميع المجیب هر یک را بعنایت حقّ بشارت دهید و بر استقامت و ما یرتفع به شأن الانسان وصیت نمائید طوبى لهم و لهم حسن مآب انتهى و اینکه مرقوم داشتند از جمله نفوس مطمئنّه سه نفس که از کسبه و ضعفا هستند وجهی از بابت حقوق الله داده‌اند و جزئی است ولی از صاحبانش با ضعف حال بسیار پسندیده و محبوبست اینمراتب در ساحت من لا یخرج عن قبضته من شیء عرض شد هذا ما ماج به بحر البیان فى الامکان قوله تبارک و تعالی

هو النّاطق بالحقّ

یا عباد الرّحمن قد ذکرکم اسمی ذکرناکم بلوح لا تعادله الواح العالم و لا ما عند الأمم یشهد بذلك ربّکم المهیمن القیوم قد فرتم بعرفان المظلوم الّذى جعله المعتدون مسجوناً بما دعا الكلّ الى الله ربّ ما کان و ما یکون ان اشهدوا بما شهد الله قبل خلق الأرض و السّماء أنّه لا اله الا انا الحقّ علام الغیوب من فاز بعرفانی أنّه من الملائه الاعلى عند الله فاطر السّماء و مالک الاسماء و الّذى منع أنّه من الغافلین فى لوح محفوظ قد سمع الله ندائکم و رأى اقبالکم و انزل لکم ما یکون معکم فیکلّ عالم من عوالم ربّکم العزیز الودود ایاکم ان تمنعکم ضوضاء النّاعقین عن الله ربّ العالمین ان احفظوا ما اوتیتم بهذا الاسم المهیمن علی من فى السّموات و الأرضین انتهى لله الحمد بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز گشتند و آنچه هم داده‌اند بطراز قبول فائز و ورقه وصول هم ارسال میشود اگر بشود آنوجه را در ارض خاء بجناب ملا علی بجستانی علیه بهآء الله برسانند محبوبست که نصف را خود ایشان تصرّف نمایند و نصف دیگر را بجناب ابن شهید علیه بهآء الله برسانند

اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمّد جعفر و جناب آقا میرزا مهدی علیهما بهآء الله را فرمودند تلقاء عرش بشرف اصغاء فائز و عریضه جناب آقا میرزا محمّد جعفر که بانحضرت نوشته بودند آنهم لدی العرش عرض شد و دو لوح امنع اقدس از سماء مشیت مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشاءالله بان فائز شوند و از بحر معانی آن بیاشامند و همچنین ذکر مخدرات قانات

مشتهلات علیا جناب عمّه و دو صبیّه ایشان علیهنّ بهآء الله و عنایاته را فرموده بودند و مرقوم داشتند که از اوّل نفوس شمرده میشوند بعد از عرض مراتب در ساحت امنع اقدس این آیات مشرقات از افق فضل لائح قوله جلّ جلاله

بسمی الذّاکر البصیر

یا اسمی علیک بهائی و رحمتی لعمر الله قد نطقت بالحقّ عمّه و خدیجه در اوّل ایام بایمان فائز از کوثر حبّ آشامیدند و از فرات ایقان قسمت عظیم بردند لازال نفحات محبت رحمن از ایشان متضوّع و بقدر مقدور در خدمت امر و اولیائش جهد بلیغ مبذول داشته‌اند و در سیل الهی شنیدند و دیدند آنچه را که سبب حزن قلوب مقرّبین بوده طوبی از برای ایشان لعمری لا یعادل بما قدّر لهنّ ما فی الأرض جمیعا لله الحمد باقبال و ایقان و توجّه و قول بلی فائز گشتند شهادت الهی در باره ایشان کافی و باقی انه لا یضیّع اجر المحسنین و المحسنات بشرهنّ من قبلی و ذکرهنّ من لدی المظلوم البهآء المشرق من افق سمآء بیانی علیهنّ و علی ابنائها الذین اعترفوا بما نطق به لسان العظمة انه لا اله الا انا المهیمن القیوم انتهی ذکر ایشان لازال در ساحت اقدس بوده و نازل شد از برای ایشان آنچه که بدوام اسماء باقی و پاینده است انّ الخادم یسأل الله ربّه بأن یوفّقهنّ و یؤیّدهنّ و یقرّبهنّ الیه انه هو المقتدر علی ما یشآء و هو الغفور الکریم

و همچنین دو لوح امنع اقدس ابهی مخصوص جناب آقا محمّد علی و آقا محمّد حسین علیهما بهآء الله نازل و ارسال شد انشاءالله بان فائز شوند چندی قبل عرایض ایشان بساحت اقدس فائز انّ ربنا الرحمن هو المؤیّد المقتدر العلیم الحکیم اینکه ذکر جناب آقا میرزا عبدالرحیم از اهل قمصر علیه بهآء الله را فرموده بودند و همچنین عدد او از بابت حقوق که جناب آقا زین العابدین از اهل مازگان علیه بهآء الله بتوسط ایشان ارسال داشته‌اند اینمراتب تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل لجناب میر علیه بهآء الله قوله عزّ بیانه

انا المبین الحکیم

یا میر امر عظیم است و یوم عظیم بعضی از اهل بیان تا حین ادراک یوم را ننموده‌اند باوهامات قبل متمسّکنند بگو ای قوم امروز یوم الله است لا یذکر فیه الا هو اگر نفسی بعبادت اوّلین و آخرین مؤیّد شود و در اقلّ من آن بدونش ناظر او از اهل توحید نبوده و نیست و جمیع اعمالش هبآء منبئاً بوده و خواهد بود آیا اقوال اهل فرقان یعنی حزب شیعه را نشنیده‌اند و توهّمات قبل را نسنجیده‌اند مع ذلک چگونه در تجدید ظنون و اوهام مشغول شده‌اند الا انهم فی خسران مبین اگرچه ایام ظهور در یکمقام ایام الله بوده و لکن این یوم را جمیع انبیا و مرسلین طالب لقایش بوده‌اند در جمیع کتب و صحف و زبر بطراز تخصیص مزین است قل اتقوا الله یا قوم و لا تكونوا من المشرکین کن قائماً علی الامر و ناطقاً بشآء مولاک و مستقیماً علی شأن تضطرب به هیاکل الظنون و الأوهام کذلک یامرک من عنده امّ الكتاب

و نذکر الخلیل الذی فاز بالذکر و البیان من لدی الرحمن نسأل الله بأن یوفّقه علی ما یرتفع به امره المبرم الحکیم کبر من قبلی علی وجهه و علی اولیائی هناک انا نوصیهم بالاستقامة الکبری و بما ینبغی لهذا الیوم العزیز البدیع قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک بهذا الذکر المبین قد فزت بذكر ربک مرّة بعد مرّة هذا من فضله العظیم البهآء علیکم من لدی الله ربّ العالمین و نذکر زین العابدین الذی عمل بما امر به فی کتاب الله طوبی لعبد شهد بما شهد به المقصود و عمل فی سبیله ما

ارتفع به ذکره بین عباده المخلصین انتهی

صدهزار شکر مقصود عالم را هر هنگام ذکر یکی از اولیا در ساحتش مذکور بانوار عنایت مزین و بطراز فضل مطرّز مخصوص نفوسیکه آنحضرت ذکر نموده‌اند هر یک بآیات بدیعۀ منیعۀ باقیۀ دائمۀ فائز گشته‌اند طوبی لهم و نعیماً لهم و کلّ خیر لهم اینعبد فانی از کل رجا مینماید در احیان ذکر و ثنا فراموشش ننماید و از برایش تأیید بطلبند بر خدمت این امر عزیز عظیم اینکه مرقوم داشتند شبی از شبها در بیت جناب آقا سید محمّد باقر علیه بهاء الله با دوستان الهی معاشر و بذکر محبوب عالمیان مشغول اینفقره در ساحت امنع اقدس بشرف اصغافائز قوله جلّ جلاله

بسمی الّذی به ماج البحر و هاج العرف

طوبی لذی لسان نطق بثناء مولا و لذی شمّ وجد عرف قمیصه المنیر و لذی اذن سمع ندائه الأحملی و لذی بصر فاز بمنظره الکریم یا سید یا محمّد قبل باقر قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک لتشکر ربّک الغفور الکریم از اعظم اعمال امروز استقامت است چه که ناس از قبل باو هام تربیت شده‌اند طوبی از برای نفسیکه اوهامات و گفتارهای قبل را ریخت و بافق یقین وحده ناظر و متوجّه نفوسیکه از آگاهی محرومند باقوال اهل فرقان تمسّک نموده‌اند و در اضلال خلق قیام کرده‌اند و این وعدهای حقّ جلّ جلاله بوده و در کتب بآنچه ظاهر شده و بشود اخبار فرموده تمسّک بحبل عنایة ربّک و تشبّث بذیله المنیر طوبی لیبیک بما ارتفع فیه ذکری و حضر فیه اسمی و احبّائی ذکرهم من عندی و کبر علی وجوههم من قبلی و بشرهم بعنایتی و رحمتی نسأل الله بأن یؤیّدهم علی خدمة امره و ینزل علیهم برکة من عنده و یسقیهم کوثر الاستقامة بأیادی عطائه انه هو المقتدر المهیمن القیوم انتهى

اینکه در بارۀ پریشانی احباب مرقوم داشتند خیر عالم و برکت عالم و قدرت و قوّة عالم کل بایشان متوجّه و از ایشان محسوب چه مقدار از اصحاب در زمان خاتم انبیا روح ما سواه فداه قوت شب نداشتند که بصبر متمسّک و بطراز اصطبار مزین الی ان نزل لهم من سماء الفضل ما عجزت عن احصائه المحصون عنقریب مشاهده مینمایند آنچه در کتاب نازل ثروت عالم و خیر آن از جمیع جهات توجّه مینماید حال آنچه لازم است اتّحاد و اتّفاق و حکمت و تبلیغ امر بقسمیکه سبب ضوضا نشود این بر عباد بوده و هست و مابقی با حقّ جلّ جلاله است مع مصروف این ارض که آنحضرت مطلعند اگر از حقوق چیزی خبرش برسد یا وارد شود داده شده و میشود فرمودند آنچه اسمی در این باب نوشته صحیح است بلکه رخنه‌های عظیمه ظاهر میشود چنانچه شده در بارۀ محبوبی جناب آقا میرزا اسدالله علیه بهاء الله و امانت الله مرقوم داشتند از این خبر فرح لایحصى ظاهر لله الحمد و له الشکر و الثناء و له القدرة و القوّة و العطاء ولكن حسب الأمر حال باید محلّ مختصری بدون اسباب معین شود و الا در خطر است غافلین بسیار شقی مشاهده میشوند اگر مطلع شوند لعلّ بعمل قبل قیام نمایند باید در اوّل امر عاقبت آنرا مشاهده نمود باید محلّ بقسمی اخذ شود که از برای نفسی مجال ادّعا نماند و همچنین مرقوم داشته بودند شبی از شبها در بیت جناب آقا محمّد علی فح علیه بهاء الله تشریف داشتند مع دوستان حقّ علیهم بهاء الله اینفقره هم بتمامه امام وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من لدن ربنا مالک المآب قوله جلّ و عزّ

بسمی الّذی یسمع و یری

یا محمّد علی در سنین متوالیات بذکر مالک اسماء و صفات فائز شدی از کأس وصال نوشیدی و از بحر لقا آشامیدی شنیدی آنچه را که در کتب الهی مذکور و دیدی آنچه را که در او مسطور طوبی لک و لابنک الّذی فاز بألواح ربّه الکریم ذکر تو و ابناء در کتاب الهی مخلّد از حقّ میطلییم ترا مؤیّد فرماید بر حفظ آنچه عطا فرموده نشهد أنّک هاجرت و حضرت و سمعت و

رأيت ان افرح بعناية ربك و كن من الراسخين و نذكر الحكيم اخ الحكيم الذي فاز بلقائى و وجد عرف ظهورى البديع يا آقا خان ان استمع نداء ربك الرحمن من سدرة الانسان على هذا الطور المرتفع على اشرف البقاع انه لا اله الا هو العزيز الوهاب قد ذكر ذكرك لدى المظلوم و نزل لك لوح لاح من افقه نجم عناية ربك مالك الرقاب طوبى لك بما اقبلت الى مشرق الظهور و سمعت نداء مكلم الطور الذي كان موعوداً فى الزبر و الألواح نسأل الله بأن يؤيدك و يوفقك و يكتب لك من قلمه الأعلى خیر الآخرة و الأولى انه هو المقتدر على ما يشاء باسمه الذي سخر من فى الأرضين و السموات سيفنى ما تراه اليوم و يبقى ما قدر من لدى الله رب الأرباب انا نوصيك بحفظ ما اوتيت و بالاستقامة التى جعلها الله من افضل الأعمال انتهى امواج درياى فضل كل را احاطه نمود و انوار آفتاب عنایت بر كل تجلّى فرمود اینفانى از حقّ سائل كه جميع را بما اراد آگاه فرماید چه اگر آگاه شوند كل بر خدمتش قيام نمایند الحمد لله جناب مذکور و مذکور یعنی جناب آقا محمد علی و جناب آقا خان علیهما بهاء الرحمن از كأس لقاء حضرت مقصود آشامیدند و به ما هو الموعود فى الكتب فائز گشتند از حقّ تأیید میطلبم ایشانرا مؤید فرماید بر استقامت كه از افضل اعمال مذکور و خدمت هر يك تكبير و سلام میرسانم و همچنین خدمت ابناء جناب آقا محمد علی علیهم بهاء الله ابن اكبر و سایرین تكبير و سلام میرسانم لله الحمد لدى الوجه المذكورند و بعنایت فائز له الحمد فيكلّ الأحوال از حقّ سائل و أمل كه باب فضل بگشاید و يد عطا دست گیرد انه على كلشء قدير و اینکه در عسر امور ایشان مرقوم داشتند فرمودند بهر نحو مصلحت دانند عمل نمایند چه از بابت حقوق اگر وجهی برسد و چه از سبل اخرى البته در این فقره توجه نمایند چون اراده الهی تعلق گرفته البته فرج میرسد فى قبضته زمام الأمور و هو المقتدر القدير انتهى و اینکه در باره مخدّره هدهد علیها بهاء الله مرقوم فرموده بودند این ایام خبر وجهی رسید مبلغ بیست تومان امر صادر

بایشان برسد و مابقی بعضی دیگر اگر باز خبری برسد حواله میشود

اینکه در باره جناب آقا محمد حسین ل ط علیه بهاء الله مرقوم داشتند در پیشگاه حضور مالک ظهور عرض شد هذا ما نطق به لسان مالک الأسماء فى سجن عكّاء قوله جلّ جلاله یا اسمی عليك بهائی حاء و سین علیه بهائی از اول امر بافق اعلى توجه نمود و در سنین معدودات بذکر و ثنا و خدمت امر موفق شد از حقّ میطلبیم او را بر حفظ اینمقام مؤید فرماید اوست بر هر شیء قادر و توانا انشاءالله مؤید شود بر عملی كه از سیّد اعمال لدى الله مذکور است و بدوام ملك و ملكوت باقى و پاینده یا اسمی بشره بعنایتی قد اشرفت له شمس الاذن من افق مشیة ربه الكريم له ان يتوجه بتوجه تتوجه به الموجودات الى شطر القرب و اللّقاء المقام الذى فيه ينطق مكلم الطور الملك لله ربّ الأرباب انتهى طوبى از برای ایشان چه كه فائز شدند بآنچه طلب نمودند ولكن حسب الأمر باید بحکمت ناظر باشند و بمقتضیات آن اگر موافق شد نعم المراد والا الصبر اولی

اینکه ذکر ضیافت علیا مخدّره ام حرم علیها بهاء الله را مرقوم داشتند و همچنین ذکر جناب وزیر و ابن ایشان و احوال ایشان علیهم عناية الله فرمودند در مقرّ كان الله و لم يكن معه من شیء بشرف اصغا فائز هذا ما نطق به لسان ربنا الرحمن فى ملكوت البیان قوله عزّ و جلّ یا اسمی جناب محمد را از قبل ذکر نمودیم ذکریکه عرفش پاینده و باقى است از حقّ میطلبیم او را مؤید فرماید بر آنچه سزاوار ایام اوست و موفق دارد بر عمل بآنچه در کتاب نازل انا نسلّم من هذا المقام علیه و على اخیه و ابنه كل را از قبل مظلوم سلام برسان لیجذبهم السلام الى اعلى المقام و یقرّهم الى الله مولی الأنام دنیا فانی و اسبابش غیر باقى از حقّ میطلبیم منتسبین را بنسبت حقیقی فائز فرماید و بصراط مستقیم راه نماید الحمد لله بذکر فائز گشتند و از قلم بیان اسمشان جاری اینست نعمت حقیقی و مائدة سمائی البهاء علیهم و على من فاز بهذا اليوم المبین و هذا الأمر المحکم المتین انتهى این خادم فانی از حقّ باقى سائل و أمل كه جميع منتسبین را از رحيق مختوم محروم نفرماید

ذکر شب ورود و حضور حضرات و بعضی از دوستان را فرموده بودند اینکلمه علیا از افق اعلى در اینمقام اشراق فرمود قوله جلّ جلاله اللهم صلّ و سلّم على صاحب البيت و ضيوفها و الذى حضر و زار و فاز و خدم و ذکر و سمع ثناء الله

المهيمن القيوم انتهى لله الحمد اينكلمات عاليات شامل حال كل شد از صاحب بيت و ضيوف و آنکه حاضر شد و آنکه لوجه الله خدمت نمود و آنکه در برف توجه نمود جميع فائز شدند و از بحر ذکر الهی قسمت بردند هنيئاً لهم و مخصوص مخدره ام حرم عليها بهاء الله لوح امنع اقدس نازل و همچنين مخصوص ورقه اخت جناب آقا ميرزا محمود عليهما بهاء الله که در برف و برد توجه نمود انه لا يضيع اجر المحسنين و اجر المحسنات و اينکه ذکر جناب آقا مير علينقى عليه بهاء الله را فرمودند و همچنين ذکر خدمات ايشان دوستان الهی را اينفقره بعد از عرض در ساحت اقدس اينكلمات عاليات در جواب نازل قوله جلّ جلاله

هو الشاهد الخبير

امروز جميع دوستان الهی بايد در امورات قبل تفکر نمايند و بر اثمار غير جنیة اشجار كاذبه آگاه شوند که شاید از بعد باوهامات جديده مبتلا نگرند حزب شيعه از اعلى المذاهب شمرده ميشد از ادنی الأحزاب و اذلهم ظاهر گشت بعضی از اهل بيان که از انوار آفتاب حقيقت محرومند و از بحر دانائی ممنوع بر قدم آنقوم مشی مينمايند مبشر حقيقي و سلطان واقعی آنوجود مبارکی که سالها در ليالی و ایام فرقه شيعه ذکرش مينمودند و ظهورش را آمل و لقائش را سائل بعد از ظهور کل بر قتلش فتوی دادند و بعذاب عظيم شهيدش نمودند آنحضرت بسيف کذب آنگروه شهيد شد هزار و دوپست سنه بل ازید بترتيب عقايد و ذکر درايح ايمان و ايقان مشغول بودند بالأخره نه آن عقايد ثمر بخشيد و نه آن الفاظ را حاصلی مشهود چه که از صراط مستقيم محروم و در سبل اوهام و ظنون سالک شرکاء متعدده از برای حقّ جلّ جلاله ترتيب دادند و خود را موحد ميدانستند عاقبت آنفرقه باغيه آن بود که ديدید و شنيدید چه مقدار از نفوس را که از گمراهان ميشمردند از جمله اهل سنه و جماعت را حال از آفاق قلوب بعضی نور ايمان بشأنی مشرق که مقبول واقع شدند و بلقا فائز گشتند در ابناء خليل و وراث کلیم تفکر نمايند چگونه از نار امر مشتعل شدند انظر ثم اذکر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تبارک و تعالی نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين انّ الفضل کلّه فی قبضة قدرته یوتی و يمنع و هو الفضال الکريم قلم اعلى امروز کل را باستقامت وصیت ميفرمايد چه که ناعقین بمکر مبین ظاهر و آشکار در اضلال ناس سعيها نموده و مينمايند از قرار مذکور آثار اينظهور را جمع نموده اند حقّ بر اراده کل عالم و آگاه انا نوصی الكلّ بالاستقامة الکبری علی شأن تحيّر بها افئدة الذین کفروا بالله ربّ العالمين

انا نذکر فی هذا المقام الذی سمیناه بالخليل فی الكتاب يا خليل ان استمع النداء من الأفق الأعلى ان ربک توجه اليک و ذکرک بما لا يعادله ما عند الأحزاب سبح بحمد ربک و ذکرک الناس بهذا الأمر الذی به نادت الأشياء الملك لله ربّ الأرباب ان احفظ عبادی من مفتريات اهل البيان الذین کفروا بالرحمن بما اتبعوا الظنون و الأوهام انهم ارادوا ان تفسدوا فی الأرض بعد اصلاحها الا انهم من المعتدين فی الزبر و الألواح کن راعي اغنام الله ثم احفظها من ذياب الأرض الذین نقضوا ميثاق الله و عهده و عملوا ما ناح به سکّان الفردوس الأعلى و الذین يطوفون عرش ربک فی العشيّ و الاشرار

و نذکر عبدالرحيم الذی آمن بالله فی المبدء و المآب انا ذکرناه من قبل و نذکره هذا الحين بايات تطير بها الجبال ذکر العباد بما ينبغی لأیام ربک ثم احفظهم من الذین کفروا بالمعاد

و نذکر اولیائی و احبائی هناك و ضواحيها و نبشرهم بذكر الله العليم الحكيم يا احبّاء الرحمن نوصيکم بما يرتفع به مقاماتکم و انا الناصح الخبير اياکم ان يمنعکم امر عن هذا الأمر او يحجبکم ذکر عن هذا النبأ العظيم انتم فی بيوتکم و يذکرکم القلم الأعلى فی هذا السجن المحکم المتين و نذکر امائی و نبشرهنّ بعنایتي و رحمتی الّتی سبقت من فی السموات و الأرضين

يا على قبل نقى قد ذكرک اسمى عليه بهائى ذکرناک بهذا اللوح المبين ان اشکر الله بهذا الفضل الأعظم و قل لک الحمد يا مقصود العارفين بهاء على الخليل و على اباک و عليك و على ضلعک و على احبائى الذين تمسکوا بحبلی المتين انتهى

له الحمد و المنة در جميع احوال و احيان اوليا و احبائه خود را باکاليل ذکر و بيان مزین فرموده کلمة الله باقى و ما فيها باقى اين خادم فانى خدمت اوليا و احبائه طراً تکبير عرض مينمايد و از برای کل استقامت ميطلبد جناب حبيب مکرم آقا مير عبدالرحيم عليه بهاء الله در اين نامه دو بار بذكر قلم اعلى فائز شدند هنيئاً له و لمن فاز بكأس العناية و الألفاظ در اين حين که چهار ساعت و نيم از يوم چهارشنبه ۱۷ شهر جمادى الثانی گذشته بوکالت آنمحبوب عمل شد آنچه که محبوب عالم است و کلمه قبول نازل هنيئاً لحضرتکم و لهذا العبد

مطلب ديگر در دستخط انور که بجناب محبوب مکرم حاجى سيد جواد عليه بهاء الله و عنایته مرقوم داشته بودند ذکر جناب حاجى عبدالحسين و جناب آقا عبدالحميد و ابن ايشان و همچنين جناب آقا محمد بيک و ساير دوستان که مع آنحضرت يازده نفس بوده فرموده بودند اينمراتب در ساحت امنع اقدس عرض شد مخصوص جناب حاجى عبدالحسين و جناب آقا عبدالحميد عليهما بهاء الله دو لوح بديع منيع نازل ارسال شد برسانند و همچنين مخصوص جناب بيک و سايرين از لسان عظمت جارى شد آنچه که هيچ لسانی از عهده ذکر و وصف برنمايد ولكن از تعجیلی که اينعبد داشته که پاکت را زود ارسال دارد باقل واجب عمل شد حسب الأمر ايشانرا از قبل حق تکبير برسانيد و بعنايات لانهايات مقصود عالميان مسرور داريد اينعبد هم خدمت هر يك سلام و ثنا و تکبير ميرساند

اينکه مرقوم فرموده بودند حين تحرير دستخط در بيت جنابان آقا محمد هاشم و آقا محمد حسين عليهما بهاء الله اخوين مرفوعين عليهما بهاء الله و رحمته تشریف داشتند و همچنين ذکر جناب آقا محمد و آقا نصرالله و استاد على همسايه ايشانرا فرموده بودند اين تفصيل تلقاء باب مالک الرقاب عرض شد هذا ما نزل لهم من سماء عناية ربنا المشفق الکریم قوله جلّت عظمته

بسمى الناطق فى ملكوت البيان

كتاب انزله الرحمن للذين اقبلوا الى شطر القدس فى يوم فيه انصعق كل عالم و اضطرب كل فقيه و تزلزل كل حكيم الا من شاء الله رب العالمين يا هاشم قد ذكرک اسمى ذکرناک ان ربک هو الفضل الکریم هذا يوم فيه يطوف الملائكة الاعلى عرش ربک مولى الورى ولكن الذين ينسبون انفسهم الى البيان انهم من الغافلين متمسكين بالخوار معرضين عن الله العزيز الحكيم يا حسين ان استمع نداء الحسين انه يذکرک و يوصيک بالاستقامة الكبرى على هذا الأمر العظيم سوف يأتیکم ناعق بكتاب الفجار الا انه من الملحدين فى كتاب الله العزيز الحميد و يدعوكم الى العجل و يريد ان يطفئ نور الله بما عنده من همزات الشياطين طوبى للذين كانا معنا الى ان صعد ارواحهما الى الله العزيز الجميل بهاء من لدنا عليهما و عليكما و على الذين شربوا رحيق الاستقامة من ايدى عناية ربهم الفياض الکریم

و نذکر محمد الذى ذكره اسمى و نبشّره بعنايتى و رحمتى التى سبقت الأشياء و بذكرى الذى خضعت له الأذکار يا نصرالله ان استمع نداء المظلوم ثم استقم على الأمر على شأن لا يزلک نعاق كل ناعق كفر بالله رب الأرباب تمسک بالعروة الوثقى و تشبث بذيل عناية ربک مالک الایجاد

و نذکر العلي الذى كان حاضراً لدى اسمى بذكر لا يعتریه التفاد يا على ان افرح بهذا الذكر الأعظم ثم اشکر ربک مولى الأنام انا نوصيکم و احبائى هناك بالاستقامة على امر ربکم العزيز الوهاب من يذکر هذا اليوم غيرى انه من الفجار فى الزبر

و الألواح هذا يوم الله لا يذكر فيه إلا هو يشهد بذلك اولو الألباب و عن ورائهم منزل الآيات انتهى صدهزار بار باید شکر نمود در هر آنی ولکن چه فایده که انسان اینقدرها مستطیع نه ضعیفیم حقیریم کجا میتوانیم از اداء شکر این عنایات متواتره و فضلهای متتابعه برآئیم له الحمد و المنة جميع نفوس مذکوره که از قلم آنحضرت جاری فائز شدند بآنچه که از برای او مثل و شبه نبوده و نیست از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که احبّای خود را بر استقامت مؤید فرماید تا از گفته‌های هامزین و اشارات لامزین از مقصود عالم محروم نمانند

و اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله را فرموده بودند و همچنین نفوسیکه با ایشان از بادغان آمده اینفقره در ساحت امنع اقدس عرض و بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

بسمی المهیمن علی الأسماء

یا محمود علیک بهائی فائز شدی بامریکه اکثر اهل عالم بعد از طلب و آمال از او محرومند از قبل و بعد بذکری فائز شدی که از برای او مثل و شبه نبوده و نیست کتب الهی کلّها شاهد و گواه بوده و هست از حقّ میطلبیم ترا بنار محبتش مشتعل فرماید اشتعالیکه خاموشی نپذیرد یا محمود ترا بآنچه سبب ارتفاع امر الله است وصیت مینمائیم امروز باید اهل سفینه حمرا بشائی مستقیم باشند که ناعقین و ملحدین و مشرکین از اهل بیان قادر بر تکلم نباشند یا محمود هزار و دویست سنه اهل عمائم و منابر ناس را گمراه نمودند و حاصل اعمالشان آن شد که بر محبوب عالم فتوی دادند و شهیدش نمودند و حال مجدد آن نفوس اراده ترویج اوهمات قبل را نموده‌اند در اقلّ من آن تفکر نموده‌اند که حاصل آنحزب که خود را اعلى الأحزاب میشمردند چه بوده فاعتبروا یا اولی الأبصار طوبی لک و لمن وفى بعهدہ و ما نقض میثاق الله ربّ العالمین کبر من قبلی علی محمّد قبل صادق و بشّره بذکری آیه فی هذا المقام الرقیع لیطمئنّ قلبه بذکر الله العلیّ العظیم و نذکر من سمی بحسن و نوصیه بما وصّیناه به اولیائنا من قبل و انا التّاصح العلیم کن ناطقاً بثنائی و متوجّهاً الی افقی و مستقیماً علی امری الذی به ارتعدت فرائض المشرکین و نذکر من سمی بغلام قبل علی بذکر یجد منه المخلصون عرف عنایة ربهم الکریم آیاک ان یمنعک اهل البیان عن الرّحمن الذین کفروا بالله مالک یوم الدین یا محمود ذکر احبّائی من قبلی ثمّ اقرأ علیهم آیات ربّک و انا الامر الحکیم البهّاء علیک و علیهم و علی کلّ ثابت راسخ مستقیم انتهى له الحمد و المنة نفوس مذکوره را ذکر فرمودند بآیاتیکه معادله مینماید بان ما عند الأمم اینعبد هم خدمت جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله و سایرین تکبیر میرساند و از حقّ جلّ جلاله از برای هر یک استقامت میطلبد آنه هو الفیاض الکریم

و اینکه مرقوم فرمودند جناب آقا محمّد تقی ابن جناب آقا محمّد ابراهیم عرب و آقا محمّد علی و داراب بیک علیهم بهاء الله از مرغ تشریف آورده‌اند این تفصیل امام وجه مالک وجود بشرف اصغا فائز قوله جلّ بیانه

بسمی الذاکر العلیم

یا محمّد تقی علی اییک و علیک بهائی آنه نطق بذکری قبل اظهاری و عرف قبل ابرازی آنه ممّن کان مذکور فی کتاب ربّک المهیمن القیوم الیوم کل را باستقامت امر مینمائیم چه که ارباب عمائم مجدد احداث شده‌اند و عباد را بموهومات قبل از حقّ منع مینمایند طوبی لأخیک الذی فاز بلقائی و خدمتی و الطّواف فی حولی و اصغاء ندائی و القیام لدی بابی و النّظر الی وجهی علیه بهاء الله و بهاء اولیائه و اصفیائه من الأوّل الذی لا اوّل له الی الآخر الذی لا تحصیه الأفئدة و العقول و نذکر محمّد قبل

علیّ الذی ذکره اسمی فی کتابه و نبشّره برحمتی الّتی سبقت من فی السّموات و الأرض و بفضلی الذی احاط الوجود من الغیب و الشّهود خذ کتاب اللّٰه بقوّة من عنده أنّه ینصرک فضلاً من لدنه و هو المقتدر علی ما اراد بقوله کن فیکون و هذا ما نزل لجناب داراب بیک علیه بهاء اللّٰه

هو العلیّ العظیم

یا داراب ان استمع ما ینادیک به ربّک الوهّاب فی المآب أنّه ظهر و اظهر ما اراد و هو المقتدر المختار یا داراب نوصیک بالاستقامة الکبری علی هذا الأمر الذی به زلت الأقدام قد ارتفع التّعیق و ظهر ما فی القلوب ان ربّک هو العزیز العلام کن فی الأمر علی شأن لا تحجّیک حجبات البشر و لا سبحات الّذین کفروا و اعرضوا عن المنظر الأكبر ان ربّک هو النّاصح البصّار البهّاء علیک و علی الّذین ما منعهم ضوضاء العلماء عن اللّٰه ربّ الأرباب انتهى ما من اسم الآ و قد فاز بآیات ربّه و ما من عبد الآ و قد نزل له ما یقرّبه الی اللّٰه مولاه هنیئاً لهم و مریناً و از حقّ جلّ جلاله در کلّ حین سائل و آمل که کل را بر استقامت موفق فرماید چه که ماکرین و سارقین بر مرصّد منتظر بوده و هستند اعاذنا اللّٰه و ایّاکم یا معشر المقرّبین

اینکه ذکر جناب آقا محمّد علی مخمل‌باف ابن جناب آقا حسن و ابناء و اهلسان علیهم بهاء اللّٰه و همچنین لوجه اللّٰه ضمانت لوح مخصوص ایشان فرمودند این تفصیل در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد و یک لوح بدیع منیع از سماء عنایت فیاض حقیقی مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشاء اللّٰه بآن فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند و همچنین ذکر جناب آقا حسین مخمل‌باف عمّ جناب مذکور و آنطایفه کلّهم که مرقوم فرموده بودند قریب سی نفس میشوند جمیع در محضر الهی مذکور آمدند و بعنایت اللّٰه فائز گشتند بعد از عرض اینکلمات عالیات از سماء فضل نازل قوله جلّ جلاله

یا اسمی علیک بهائی از قبل مظلوم جمیع آنطایفه را ذکر نما و بعنایت و رحمت و شفقت حقّ جلّ جلاله بشارت ده یعنی آنانکه از کوثر حیوان آشامیده‌اند و بحیوة تازه فائز شده‌اند از حقّ میطلبیم آن نفوس را از شرّ معرضین بیان حفظ فرماید و جمیع را بر امرش ثابت و مستقیم دارد نسأله تعالی بأن یقدّر لهم ما قدّر لأصفیائه من قلمه الأعلى و یرزقهم خیر ما نزل فی کتابه و یقرّبهم الیه فی کلّ الأحوال أنّه هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام من فی السّموات و الأرضین انتهى اینفانی خدمت جمیع تکبیر میرساند و عرض مینماید ناعقین و خادعین و کاذبین بوده و هستند خود را از شرّ نفوس مشرکه باسم حقّ جلّ جلاله محفوظ دارید در الواح قبل کل را اخبار فرموده‌اند بضوضاء ناعقین و ملحدین ان ربّنا الرّحمن لهو العلیم الخبیر

اینکه ذکر جناب آقا رمضانعلی الذی صعد الی اللّٰه و اخوی ایشان جناب آقا شعبانعلی علیهما بهاء اللّٰه فرموده بودند و ذکر وجه یکتومان که اراده ضیافت محبوب فؤاد جناب حاجی میرزا حیدر علی و نفوس اخری علیهم بهاء اللّٰه را داشته لّٰه الحمد و الثّناء قبل از ظهور عمل نیت مرحوم بطراز قبول فائز هذا ما نزل من ملکوت البیان فی هذا المقام قوله جلّ و عزّ یا اسمی یا ایّها التّائظر الی وجهی انا ذکرنا الذی صعد الی اللّٰه بذکر جعله اللّٰه له مائدة المعانی و فاکهة البیان و به قدر له ما لا رأت عین و لا سمعت اذن بشّر بذلک اخاه الذی سمی بشعبان قبل علی لیشکر ربّه الغفور الکریم یا اسمی عنایت حقّ در باره این دو واضح و مشهود است چه که تأیید فرمود و بقاء فائز نمود قد اسمعها ندائه و کشف لهما جماله از حقّ بطلب مؤیّد شود بر حفظ اینمقام انتهى اینعبد هم انشاء اللّٰه مؤیّد میشود بر اجراء ضیافت که اراده داشته‌اند بعمل آرند یشهد الخادم أنّهما فازا بعنایة ربّهما العلیّ العظیم

و اینکه مرقوم داشتند در بیت جناب آقا شکراللّٰه داماد جناب آقا غلامعلی علیه بهاء اللّٰه تشریف داشته‌اند و ذکر جمعی را در آنمحل از ذکور و اناث فرموده بودند اینفقره در ساحت امنع اقدس عرض هذا ما نزل من جبروت علم ربّنا العلیم الحکیم

قوله تبارك و تعالى يا احبائي استمعوا ندائى من شطر سجنى ثم انصروا المظلوم بالأعمال الطيبة و الأخلاق المرضية و الاستقامة
البديعة المنيعه انه يأمركم بما ينفعكم و هو الصادق الأمين

يا شكرالله ذكرك اسمى ذكرناك فضلاً من عندى و انا الفضال الكريم تمسك بحبل الاستقامة معرضاً عن الذين كفروا
بالله رب العالمين بهاء عليك و على ضلعك و امها من لدن عليم خبير يا غلامعلى انا ذكرناك من قبل آيات لا يعادلها شيء
من الأشياء يشهد بذلك ربك العليم كن قائماً على خدمة الأمر و ناطقاً بشأء مولاك و ناظراً الى افقه المنير قد فزت ببيان
الرحمن هذه مرة بعد مرة يشهد بذلك قلمى الأعلى و هو نفسى المهيمنة على من فى السموات و الأرضين و نذكر ابك
مهدى و نبشره بعنابتى و فضلى و نوصيه بما ينبغى لأمرى العزيز البديع

يا مهدى عليك و على ايك بهائى و رحمتى و فضلى الذى لا تعادله ثروة الملوك و السلاطين
يا شيخ قبل حسن انت من الذين فازوا بذكرى من قبل و من بعد و آياتى التى يجد منها المقربون عرف قميصى البديع
سمعنا ذكرك من كتاب اسمى ذكرناك فى هذا المقام البعيد كبر من قبلى على وجوه احبائى انا نوصيهم بالاستقامة الكبرى
على هذا الأمر العظيم و نذكر محمد قبل طاهر ليفرح بعناية ربه و يكون من الشاكرين طوبى لك و لأولياى الذين شربوا كوثر
الاستقامة من ايدى عطاء ربهم الباذل الكريم طوبى لأبيك الذى فاز بالبحر الحيوان اذ فاض من لدن فياض مشفق معطى عزيز
حكيم البهاء عليك و على من معك من كل ذكر و اننى الذين اعترفوا بما اعترف به الله مالك هذا اليوم البديع انتهى
ابعد فانى خدمت جناب آقا غلامعلى عليه بهاء الله و نفوس مذكوره تكبير و سلام ميرساند و جميع را باستقامت
وصيت مينمايد چه كه مشركين اهل بيان باوامات اهل فرقان در اضلال اولياء رحمن بتمام نفاق كوشيده و ميكوشند امروز
استقامت از اعظم اعمال لدى الغنى المتعال مذکور طوبى لمن فاز بها و شرب حقيقتها و ويل لمن انكرها و تركها
اينكه ذكر جناب آقا محمد على اخ جناب آقا محمد رضا مهاجر عليهما بهاء الله را فرمودند و مناجات ايشانرا
بساحت اقدس ارسال داشتند اينفانى اين تفصيل را عرض نمود و مناجات ايشان حسب الأمر تلقاء وجه بشرف اصغا فائز قوله
جل جلاله

هو السامع من الأفق الأعلى

يا محمد على ذكرك اسمى و ارسل مناجاتك و ما ناديت به الله رب العالمين و قرأه العبد الحاضر لدى الوجه سمعنا و اجبنا
بهذا اللوح المبين قل

سبحانك يا ربى الرحمن اسألك بأموج بحر بيانك و شئونات ربوبيتك و ظهورات الوهيتك و الأسرار التى كانت مكنونة
فى علمك بأن تؤيدنى على خدمتك و خدمة اولياىك و توفقنى على اداء حقوقك التى انزلته فى كتابك
اى رب انا الذى اقبلت الى افقك الأعلى و تشببت بذيل عطائك يا مولى الورى و مالك ملكوت الأسماء اسألك ان لا
تخيبنى عما عندك و لا تمنعنى عما كتبت لأصفيائك

اسألك يا اله الأسماء و فاطر السماء ايدنى على الاستقامة على امرك على شأن لا تحجبني زخارف الدنيا و لا تمنعنى
ضوءاً الأشياء الذين قاموا على اضلال خلقك فى ايامك ثم قدر لى يا مقصودى خير الآخرة و الأولى أنك انت المقتر على
ما تشاء لا اله الا انت الغفور الكريم انتهى

له الحمد و المنة قد انزل لمن ذكره حضرتكم ما لا يعادله شيء من الأشياء يشهد بذلك ربنا فاطر السماء و در اثناء
تنزيل لسان عظمت باينكلمه عليا ناطق قوله تعالى يا اسمى نفوس مقبله بكمال محبت و اشتعال ظاهر و حق بنفسه شاهد و
گواه انه يسمع و يرى و هو السميع البصير و از حق بخواهد موفق شوند بر اعماليكه در كتاب الهى از قلم اعلى مذکور و

مسطور یا اسمی انشاءالله کل مؤید شوند بر اداء حقوق اگرچه این حقوق مخصوصست بحق ولکن آنجناب میدانند چه مقدار از نفوس الیوم در اطراف بخدمت امر مشغولند و بر حسب ظاهر اموراتشان معوق چون امور من عند الله باسباب معلق شده لذا حکم اداء حقوق از سماء مشیت نازل و خیر اینعمل بعاملین راجع انتهى اینفانیهم از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که دوستان خود را موفق فرماید بر اعمالیکه لدی الله باقی و محفوظست

اینکه ذکر جناب میرزا عباس علیه بهاء الله که از منتسبین اینفانی محسوبند فرموده بودند و همچنین مراتب محبت و مودت ایشانرا باینفانی اگرچه الیوم نسبتها مقطوع و سبل ممنوع و طرق مسدود است ولکن چون رحمت مقصود عالمیان سبقت گرفته لذا این نملۀ ضعیف از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینماید و بکمال عجز و ابتهال معروض میدارد که جناب ایشان یعنی آقا میرزا عباس را تأیید فرماید بر آنچه سزاوار است و ایشانرا از نفوس ثابتۀ راسخه مستقیمه در کتاب از قلم اعلی ذکر فرماید باری ذکرشان در ساحت اقدس بشرف اصغا فائز قوله تبارک و تعالی

هو الشاهد الخبیر

یا عباس در قرون اولی تفکر کن در اعصار قبل آنچه واقع شده نظر نما تا سیل مستقیم را بیابی و صراط حق را بشناسی در ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزئون تفرس نما لعمری اگر متوقفین و معرضین و منکرین در این یک آیه مذکوره تفکر نمایند کل بحق راجع میشوند و اعراض و اعتراض علمای ارض را دلیل بر حقیقت من ینادی الیوم میشمزند از حقّ میطلبیم ترا تأیید فرماید و از انوار وجه محروم ننماید تا فائز شوی بآنچه که جمیع کتب و رسل بر آن گواهی داده‌اند و از حقّ لقایش را طلبیده‌اند یا عباس اسمع ندائی قل الله ثمّ ذرهم فی خوضهم یلعبون ان اقبل بوجه منیر الی افق الله العلیم الخبیر انتهى صد هزار شکر معبود حقیقی را و فیاض حقیقی را که در هر حین عطا میفرماید آنچه که السن عالم از ذکرش عاجز و قاصر است امید چنانکه ایشان بآیات الهی فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند و از عرف کلمات منزل آیات قسمت برند ان ربنا الرحمن هو السامع المجیب اینفانی خدمت ایشان سلام و تکبیر میرساند و در هر آن از برای ایشان و جمیع منتسبین تأیید میطلبد انه علی کلشیء قدیر و بالاجابة جدیر

ذکر جناب آقا سید اسمعیل علیه بهاء الله را فرموده بودند شمس اذن مجدد از افق فضل مشرق هنیئاً له اینکه ذکر جناب آقا علی اکبر ارسوی دوز و جناب آقا محمد ابراهیم دستمال باف علیهما بهاء الله را فرموده بودند که از اخبارند و هم متدین و مراقب خدمات احباب اینفقرات بتمامها در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من لدن ربنا العزیز الوهاب قوله جلّ و عزّ

هو الناطق بالحقّ

یا اسمی مهدی علیک بهائی و عنایتی اینمظلوم در ایامی بر امر قیام نمود که ظلمت عالم را فراگرفته بود نفسی از نفسی برنمیآمد ملحدین و منافقین در خلف حجبات مستور و دیار بیدار بحفظ جان مشغول بعد از بلاای لاتحصی و تنزیل آیات فی الصّباح و المساء چون فی الجملة عالم بانوار شمس ظهور منور و فی الجملة اطمینان حاصل از خلف حجبات بیرون آمدند و ملاً بازی جدید برپا نمودند آنجناب میدانند که قلم اعلی در لیالی و ایام بچه رحمت مشغول و بچه عنایت ظاهر معذک چند نفس از اهل کاف و راء که لایق ذکر نبوده و نیستند علم فساد برافراخته‌اند و بکمال مکر و خدعه ظاهر گشته‌اند بعضی بمنبر و برخی بنامه و پیام در اضلال عباد میکوشند قاتلهم الله همان دستگاه اهل فرقان بمیان آمده یعنی موهومات حزب شیعه

میگویند آنچه را که نزد حقّ جلّ جلاله نبوده و نیست ظهوری را که از اوّل امر تا حین مابین اعدا بکمال اقتدار ظاهر یک آن خود را ستر ننموده و معادل آنچه از جمیع انبیا و مرسلین ظاهر از او ظاهر و نازل گشته و جمیع اخبار بعد از قبل از قلم اعلی بکمال تصریح در الواح نازل معذلک گفته‌اند آنچه که گفته نشده و از هیچ مشرکی ظاهر نگشته عجب در اینکه نفوس مقبله هم بعضی توقّف و بعضی اعراض نموده‌اند سبحان الله بطین ذباب مشغول گشته‌اند و از ربّ الأرباب غافل افتّ لهم و للذین کفروا بالله و آیاته و جادلوا بیرهانه در اینصورت قلم اعلی اقبال بذکر در این ایام نداشته و ندارد در عراق در رؤیا دیده شد آنچه که هر ذی بصر و فؤادی گریسته و ناله نموده اگر در نظر آنجناب باشد آگاه میشوند بر آنچه واقع شده و میشود باری از حقّ میطلبیم نفوسی را که ذکر نمودی آگاه فرماید و بطراز استقامت مزین دارد

یا اسمی نذکر فی هذا المقام من ذکرته و سمی بعلی اکبر لیتمسک بحبل عنایة ربّه مالک القدر و یشهد بما شهد الله انه لا اله الا هو العلیم الحکیم یا علی قبل اکبر اذا وجدت نفحات بیان ربک قم و قل

یا الهی و سیدی و مقصودی اسألك بافق ظهورک و بحر علمک و شمس امرک بأن تؤیّدنی علی الاستقامة علی حبک ای ربّ تری مظاهر الأوهام یدعون عبادک الی الأصنام اسألك بأن تحفظنی و عبادک عن شرّ هؤلاء ثم اطردهم بقدرتک یا مالک الأسماء و المهیمن علی الأرض و السماء ای ربّ انا المسکین اردت فضلک و رحمتک و کرمک لا تخیننی یا الهی عمّا انزلته فی کتابک من بدائع نعمک و آلائک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت القویّ الغالب القدير

و نذکر من سمی بمحمّد ابراهیم و نیشره برحمتی الّتی سقت من فی السموات و الأرضین یا ابراهیم آفلین دعوی هستی نموده‌اند و گمراهان دعوی ایمان از حقّ بطلب ترا حفظ فرماید امر بسیار عظیمست در پیشوایان خلق تفکر نما که کل فتوی دادند و محبوب عالم را شهید نمودند حال در بیان همان نفوس ظاهر شده‌اند ابواب ظنون و اوهام را گشوده‌اند انا نسأل الله بأن یحفظک و الذین آمنوا من شرّ هؤلاء و یرزقکم خیر الآخرة و الأولى و یسقیکم کوثر الاستقامة من ایدای الفضل و العطاء انه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو الناصح الامر العلیم الحکیم انتهى و اینکه ذکر جناب آقا سید حسین صباغ و استاد نصرالله نجار علیهما بهاء الله فرمودند بعد از عرض در ساحت کبریا این آیات کبری از مصدر اسماء نازل قوله جلّ جلاله

انا المظلوم الغریب

یا سید قبل حسین مطلع وحی و مشرق ظهور و مصدر امر و مظهر نفس الهی ظاهر معذلک ناس جاهل غافل لآلی بحر علم الهی عالم را پر نموده معادل کتب قبل و بعد از سماء مشیت نازل بل ازید معذلک مشرکین در ردّش ساعی و جاهد باید بحقّ پناه برد چه که دوباره اهل عمائم بفکر منبر و محراب افتاده‌اند و در اضلال خلق کوتاهی ننموده و نمینمایند از حقّ حفظ طلب نمایند و استقامت بخواهید تا از شرّ نفوس ملحده مشرکه محفوظ مانید انا نوصیک بالعمل الخالص و بما انزلناه فی الزّبر و الألواح حمد کن محبوب عالم را که ترا مؤید فرمود و آگاه نمود ان ربک هو الفضل الکرم قل الحمد لله ربّ العالمین و هذا ما نزل لجناب استاد نصرالله علیه بهاء الله

هو القریب المجیب

سبحان الذی ظهر و اظهر ما کان مکنوناً فی العلم و مسطوراً فی کتب الله ربّ العالمین انه اتی برایات الآیات و قام علی الأمر علی شأن لم تمنعه شبهات العلماء و لا سطوة الغافلین یا نصرالله حقّ ترا نصرت نمود چه که بعرفان مشرق وحی و مطلع الهام

مؤید شدی در ایامیکه کل غافل و محجوب مشاهده شدند الا من شاء الله رب العالمین قدر اینمقام را بدان و از معرضین اهل بیان حفظش نما لعمر الله انهم فی جهل مبین از حق استقامت طلب نما بشأنیکه مشرکین قادر بر تکلم نباشند کذلک یا امرک من عنده کتاب مبین انتهى

و همچنین ذکر جناب آقا رجبعلی مخمل باف و آقا حسین ظهیر و آقا میرزا محمد آئینه ساز علیهم بهاء الله را فرموده بودند اینفقره در ساحت احدیه عرض شد هذا ما نزل لهم من ملکوت بیان ربنا الرحمن

هو المهیمن علی ما یشاء و یحکم کیف یشاء

یا احبائی علیکم بهائی انّ المظلوم یدکرکم فی سجنه و یشترکم بعنایة الله مولی الأنام یا رجب قبل علی ذکرک اسمی ذکرناک و انه سراج الله یمشی امام وجهک فی عوالم ربک العزیز المنان هذا مقام جعله الله معلّقاً بالاستقامة الكبرى طوبی لمن فاز بها و ویل لكلّ غافل مرتاب تمسک بحبل الأمر و تشبّث بذیل عنایة ربک مالک الرقاب یا حسین یدکرک المظلوم اذ احاطته الأحزان من الذین کفروا بالله مالک الأدیان انّ القوم آمنوا بالغدیر و کفروا بالبحر الأعظم کذلک سوّلت لهم انفسهم الا انهم من اصحاب النار یدعون الایمان برسل الله من قبل و بالذی اتی بالحقّ و انکروا مرسلهم و مظهرهم و مؤیدهم انّ ربک هو العزیز العلام ان احفظ نفسك من الذین آمنوا بأهوائهم و کفروا بالله ربّ الأرباب

یا محمد استمع ما خلقت الأذان لاصغائه ثم اشکر ربک مالک یوم المآب انا انزلنا الآیات و عن ورائها اظهرنا البیئات و عن ورائها کنا ظاهراً باهراً امام وجوه الأعداء فی ایام فيها ارتعدت فرائص اهل البیان الذین خرجوا الیوم من خلف الحجاب قل اتقوا الله یا قوم کسروا صنم الوهم ثم اقبلوا بوجه نورآء الی الأفق الأعلى المقام الذی ینادی فیہ سدرۃ المنتهی الملک لله المقنن العزیز المختار انتهى

و همچنین ذکر جناب آقا محمد تقی صباغ و آقا محمد علی شبیه خوان من قمصر علیهما بهاء الرحمن فرموده بودند بعد از عرض تلقاء وجه این آیات از ملکوت علم الهی نازل قوله جلّ جلاله

یا محمد قبل تقی گوش را از اصغاء نداء معرضین مقدّس دار و لسان را از ذکر منکرین منزّه ابصار از برای منظر اکبر خلق شده و آذان از برای اصغاء نداء مالک قدر یا صباغ انشاءالله بصیغة الله فائز شوی و لونی جز آن نخواهی براستی میگویم دزدان در کمینگاهان که شاید ضعیفی را بیابند و بریابند باسم حقّ خود را حفظ نما اینست وصیّت مظلوم ترا و دوستان را سمعنا ذکرک ذکرناک ان احمد ربک بهذا الفضل المبین

یا محمد قبل علی جمیع انبیا و رسل ناس را باین ظهور بشارت داده اند و باین یوم اخبار نموده اند قد زین الله کتبه و زبره بهذا الاسم الذی اذ ظهر سقطت الأصنام و محت آثار الذین کفروا بالله ربّ العالمین حال جمعی خراطین پرهای ایمان مقبلین را بطین اوهام میآلایند و از پرواز منع مینمایند ان احفظ جناحک من طین هؤلاء ثم اشکر ربک الکریم انه ایدک و عرفک و اسمعک و هداک الی صراطه المستقیم

یا اسمی علیک بهائی و عنایتی جمیع احبای حقّ را تکبیر برسان و ایشانرا بشارت ده بعنایت حقّ جلّ جلاله و وصیّت نما بانچه که سبب خلاص و نجات است جمیع اصحاب آن ارض مظلوم بوده و هستند در سیل حقّ حمل بلایا نموده اند اعمال کل نزد حقّ مذکور و از قلم اعلی در صحیفه حمرا مسطور اجر نفسی بقدر خردل ضایع نشده و نمیشود از حقّ مطیلبیم کل را بر استقامت مؤید فرماید انه علی کلّشیء قدير البهء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و علیهم و علی الذین ما منعتم الضوضاء عن الأفق الأعلى قاموا و قالوا الله ربنا و ربّ العرش العظیم الحمد لله العظیم الکریم انتهى اینفانیهیم خدمت آنحضرت و دوستان الهی که از ریح مختوم آشامیده اند و بحضرت قیوم متمسکند تکبیر و سلام معروض میدارد و فنا و نیستی

خود را اظهار مینماید و از آنحضرت میطلبد که او را فراموش نفرماید و از حقّ تأیید بخواهند که شاید از خدمت بازنمانم و برضای حقّ فائز گردهم الذکر و الثناء و البهَاء و التّور علی حضرتکم و علی من معکم و علی من یحبّکم و یسمع قولکم در اینمقام ذکر حبیب روحانی جناب شیخ ابوالقاسم و جناب آقا میرزا آقا علیهما بهاء الله بخاطر آمد علم الله ذکر این دو حبیب که در دستخطّ مبارک بود بعد از عرض لیلاً و نهاراً از لسان مقصود ذکرشان جاری هنیئاً لهما و مریناً لهما اینفانیهم معلوم در آنی غفلت ننموده گویا امام وجه خادم موجودند از حقّ جلّ جلاله سائل و آلمم بأن یؤیّدهما علی ما تقرّ به عینهما و یفرح به قلبهما و یرفع مقامهما و یظهر ما قدر لهما انشاءالله موفق باشند بر آنچه سزاوار است و باتفاق و اتّحاد حقیقی فائز شوند ان ربنا الرحمن هو السامع المجیب و هو القریب الرقیب

این سند از کتابخانه مراجع یهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر